

ارزیابی موضع

۱۶۹۰

# ((راه کارگر))

بعد از تسخیر سفارت آمریکا

## توضیح

- ۱- مارفقای (راهکارگر) رادردون جنبشکمونیستی و انقلابی میهن ما رزیابی میکنیم .
- ۲- مطالعه نوشته های اینرفقا را به همه پویندگان راه آزادی و طبقه کارگر توصیه میکنیم . نوشته هایی که خود توشه های زیادی را برگرفته ایم .
- ۳- زبان طنزآلوداینمقاله رارفقای (راهکارگر) برماء تحمیل کرده اند . چه فکر میکنیم آنها که مطالب خود را بیشتر به طرز زیان میکنند ، حتما " این زبان را بهتر نیز میفهمند !
- ۴- آنچه در دردون (پرانترزبرگ آمده ، استنباط ما را زاندیشه های (راهکارگر) است تاخونندۀ عزیزبتواند با طرح روش و گستردۀ این اندیشه ها که در را بر چشمانش به نمایش میگذاریم ، بدروستی دا وری کند .
- ۵- آنچه از جمله و کلمه در دردون " گیومه آمده از خود رفقای (راهکارگر) است که ما از متن نوشته های آنها بیرون کشیده ایم .
- ۶- عبارت (راهکارگر) را همانگونه که مشهود است در دردون دو پرانترزکوچک آورده ایم
- ۷- ما در این مقاله قصد ارزیابی همه جانبی تما منوشته ها و مواضع رفقای (راهکارگر) را نداشتیم . چه اصول خود را فاقد صلاحیت لازم در این کار میدانیم . چون برخورد به نظرات و مواضع (راهکارگر) را در این مرحله از جنبش کمونیستی میهن ما ضروری میدانیم ، صرف " خواسته ایم دز حد توان خود آغازگر و گشا بینده بحثی گسترده و همه جانبی در این رابطه باشیم .

\* (راهکارگر) حاکمیت کنونی را یک "کاست" میداند که برای حفظ موقعیت خود، در خدمت بازسازی سرما یهدا ری وابسته به مثابه، بنیان امپریالیسم "درایران، قرار گرفته و بالطبع در صفحه "ضد خلق جای دارد.

— تاکیدا زنویسندہ —

\*\*\* نشریه (راهکارگر) شماره ۴، دوشنبه ۳۵۸

دباله اش مقاله "شا هدیها و گروگانیها" میپردازیم.  
 قبل از بررسی مشخص دومقاله پا دشده با یدبیگوئیم که  
 عماره نظر (راهکارگر) در مردم تسخیر لانه جا سوی و آنچه  
 که در اطراف آن گفته و ارتبا ط آن با حاکمیت چنین است.  
 ۱- "کاست حکومتی" که (روحانیت طرفدار ولایت فقیه  
 را در آن بخش مسلط و کلیدی میداند) ارتفاع محض  
 و "ضخلق" است.  
 ۲- جریان دانشجویان پیرو خط امام فربادخواهد  
 بورژوازی سنتی است که احساس میکند فریب خورده و—  
 را دیکا لیسم خدا مپریا لیستی را به نما یش میگذارد.  
 ۳- حرکت تسخیر لانه جا سوی بدون حمایت "بالائی‌ها"  
 (همان بالائی که جناح عمدہ و کلیدی آن روحانیت طرفدار  
 ولایت فقیه است و رسالت آن پاسدا ریا زرمایه وابسته  
 میباشد. این نظر (راهکارگر) است) و بدون زمینه و  
 گرایش در "پائینی‌ها" ناممکن است.  
 ۴- دانشجویان پیرو خط امام "کانون جدید قدرتی"  
 تشکیل داده اند و فعلًا "قدرت تحرک" زیادی دارند. (بنابر  
 این آن بخش از بالائیها که با حمایت خود، از دانشجویان

\* نشریه (راهکارگر) شماره ۷، دوشنبه ۲۴ دی ۵۸  
 \*\* این نظر فعلی (راهکارگر) است نه دقیقاً "موقع قبلی آن"  
 \*\*\* نشریه (راهکارگر) شماره ۴، مقاله "در میان بالائی‌ها..."  
 \*\*\*\* نشریه راهکارگر شماره ۱، مقاله "مبارزه ضد"  
 - امپریا لیستی از کدام سو؟  
 \*\*\*\*\* نشریه (راهکارگر) شماره ۴، مقاله "در میان بالائی  
 - ها...."

کانون جدیدقدرتی ساخته اند و به آن تحرک  
بخشیده‌اند، خود نیز در بابا یادگاران  
سلط قدرت با شنیده و قدرت تحرک زیاد داشته  
باشند. اگر بر اساس نظر (راه‌کارگر)  
حرکت کنیم، بخش حاصلی حرکت دانشجویان را در بابا  
باشد و حانیت طرفدار رولایت فقیه بدانیم و لاغیر.  
البته همان روحانیت طرفدار رولایت فقیه که پاسدار منافع  
امپریالیسم از دیدگاه (راه‌کارگر) است.

۵- در درون طرفداران ولایت فقیه گرا یشایشات خواهد  
امپریالیستی با خلقت خرد بورژوا ای به چشم می‌خواهد.  
"مانمیخواهیم بگوئیم در میان طرفداران ولایت فقیه  
هیچ‌گروه و دسته‌ای گراش خدا امپریالیستی و خلقت  
خرده بورژوا ای سنت‌گراندازد".

حال ببینیم (راه‌کارگر) جناح‌بندیها ای بالا را چطور  
می‌بینند و چه شناختی از ما هیت آنها بدست میدهد و مهمتر  
اینکه چگونه میخواهند آنان را که در کلیسا دارند  
امپریالیسم میدانند به حمایت از یک جریان سنتی  
را دیکال خدا امپریالیست و دارد.

(راه‌کارگر) در مقاله "در میان با لائی‌ها" "چه می‌گذرد؟"  
جناح‌بندیها ای درون "کاست حکومتی" را این‌گونه می‌بینند:  
۱- روحانیت سلط و طرفداران ولایت فقیه که عبارتند  
از: حزب جمهوری اسلامی، مجاهدین انقلاب اسلامی، فدائیان  
اسلام، حزب املوچمران، قطبزاده، بیزدی، امیرانتظام  
و یارانه‌گارانگشان بنام منفذ رهبری دین

---

### \* همانجا

\*\* در صفحه بعد

بنی صدر، امام

۳- سرما یهدا ران بزرگ وابسته

حال ببینیم درباره هر کدام از این جناحها چه میگوید:

(راهکارگر) حزب جمهوری اسلامی رایک حزب تمام غیار فاشیستی<sup>\*</sup> میخواند که بعنوان ارگان سیاسی روحا نیت حاکم با تشکیل گروههای نظامی شبه فاشیستی، سرکوب طبقه کارگران و نیروهای چپ و مترقبی و احیای سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم را، وظیفه خود قرار داده است. "گردانندگان این حزب ستون فقرات مجلس خبرگان و "شورای انقلاب اسلامی" را تشکیل میدادند و میدهند. آنها چه موضوع دارند؟ در مجلس خبرگان از ترس "سوء تعبیرهای" احتمالی حاضر نمی‌باشند حتی لفظ خالی "جا معده بی‌طبقه توحیدی" را در قانون اساسی بگنجانند. آنها از عدم قاطعیت مهندس بازارگان شکوه می‌کردن دولتی حتی شدیدتر از افتادن سلاح بدست توده‌ها را محکوم می‌کنند. ارگان این حزب با درج مقالات و "خبر امتعدد" هر روز طرفداران محمد ظاہر شاه را در افغانستان بعنوان "انصار دین الله" به مردم ناگاهه قالب می‌کند. دبیر

بقیه از صفحه قبل: مقاله راهکارگر قبل از جریان جاسوسی امیرانتظام و بآزادی و نوشته شده. اما معلوم نیست چرا امیرانتظام مدون طیف طرفداران ولایت فقیه است و نه مثل لیبرالها! <sup>\*\*</sup> جزوی ای در مرور دفا شیسم و گروههای سیاسی و دولت که اخیراً "بخش فاشیسم آن توسط هوا داران (راهکارگر) منتشر شد.

کل این حزب کارگران انقلابی را باشد عمل "شورای انقلاب اسلامی" تهدید می‌کند. این حزب با تمام نیرو می‌کوشدیورش فاشیستی به کردستان انقلابی را از نو تکرار کند. ارگان این حزب به "برادر قطب زاده" می‌تازد که بعد از این راه آیت الله منتظری به شخصیت‌های "خبیث" کردستان تصمیم گرفته است "صدا و سیما" قطب زاده "رادر اختیار هیچ مراضی نگذارد. این حزب "انقلابی" که ظاهرا "از اشغال سفارت امریکا چندان راضی نیست" سعی می‌کند ما جرای گروگانگیری را به نحوی "اعقلانش" پایان دهد. دکتر بهشتی، یکی از سران این حزب بعد از اعلام صریح دانشجویان پیرو خط امام "که کاردار سفارت را نیز جزو گروگانها میدانند، در تائید حرف قطب زاده" اعلام می‌کند که کاردار رجوز گروگانها نیست آیا بهشتی با آیت الله خمینی در راه مسئله سفارت اختلاف دارد؟ شاید. لااقل میتوان گفت که حزب جمهوری اسلامی از اشغال سفارت استقبال نمی‌کند.\*

مجاهدین انقلاب اسلامی از نظر (راه کارگر) از صریحت‌ین وضدکمونیستی ترین اقدامات "شورای انقلاب" بقید وشرط دفاع می‌کنند.\* (البته شورای انقلاب هم از نظر (راه کارگر) در دست حزب فاشیستی جمهوری اسلامی است). فدائیان اسلام؛ "رهبرانها شیخ صادق خلخالی" دادگاه‌های فاشیستی در کردستان انقلابی را برپا

— تأکید از نویسنده.

\* نشریه (راه کارگر) شماره ۴، مقاله "در میان با لائیها ...".\*\* نشریه (راه کارگر) شماره ۴، مقاله "در میان با لائیها ...".

گرد. پایگاه طبقاتی اورامی جوئید؟ ضرری نداشد، اما فرا موش نکنید که سرمایه مالی درویتنا م مردم را با همان شفاقت میکشت که شیخ صادق خلخالی در کردستان\*\* حزب امل و چمران : "پرونده چمران را در کردستان وا زبا زماندگان قارنا حستجو کنید. آیا آنها نفوذ سا بق خود را از دست داده اند؟ شاید. گروه آیت الله منتظری و فرزندش \*\* ظا هرا "آنها را عقب رانده اند: بالیبی روابط سیاسی برقرار رشده است. گروه امل در مدینه-الزهراء لبان بخاطر امام موسی صدر، عده‌ای را به تحصن نشانده است. ولی چمران هنوز وزیر دفاع جمهوری اسلامی است و خواه رزاده امام موسی صدر (طبعاً بیمه حکم قرابت با خاندان امام خمینی، همچنان جزو افراد ذخیره حکومتی است" \*\*\*

ستاکیدا زنویسنده .

\* نشریه راهکارگر شماره ۴، مقاله "در میان بالائی - ها ...."

\*\* این دیگر چه گروهی است؟! این هم جناح خاصی است؟ پس چرا درستون جناحها، ببخشید در تحلیل طبقاتی حاکمیت (!) جای خاصی به آن نداده اید؟ لابد کوچکتر از آنست که بیا رزد. چرا؟ مگر از بنی صدر تکی کمتر است؟ چه بنی صدر یک نفر است و اینها دونفر (پدر و پسر) (!)

\*\*\* نشریه راهکارگر شماره ۴، مقاله "در میان بالائی - ها ...."

منفردین : قطب زاده ، یزدی ، امیرانتظام ویاران رنگارنگشان . .... با اطمینان میتوانیم بگوئیم که اینان شیوه‌ای بسیار خطرناکتر از همه دسته بندیهای دیگر سرما یه، جهانی (امپریالیسم) دفاع میکنند\*\* .  
 بنی صدر : "در عین حال که از جا معه، بی طبقه، توحیدی دفاع میکند ، از جنگ کردستان نیز حما بیت میکند ! و درست بدلیل اینکه خود را مخالف هر نوع سانسور قلمد ! دمیکنند ، معتقد است که شیخ عزالدین حسینی ، دمکراتها و کومله وفادائی ها در کردستان آزادیهای مردم مسلمان کرده را مورد تعریض قرار میدهند".

\* نشریه، راهکار گرشماره ۴ ، مقاله "در میان بالائی ها" .  
 حال که "اینان بشیوه‌ای بسیار خطرناکتر از همه دسته بندی های دیگرا ز سرما یه، جهانی دفاع میکنند" چرا در جنایات سرما یه، بزرگ وابسته جانگرفته ، بلکه میان طوفدازان ولایت فقیه ساندویچ شده‌اند؟! اصولاً چرا "اینان" (لابد مثلًا) چران با ملایمت و محاطا شده و نه "بشهودهای بسیار خطرناکتر از همه دسته بندیهای دیگرا ز سرما یه، جهانی دفاع میکند (!) لابد ذات اینها "بشهودهای بسیار خطرناکتر از همه دسته بندیهای دیگر" خرد شیشه دار و بوقول شاعر ذات بدنی گردد (!) . از این همه تحلیل طبقاتی کیف نمیکنید؟ (!) دست پا چهنشوید ، تمام نشده ، (راه کارگر) با زازاین جور تحلیل طبقاتی دارد و حاضر است همه کمونیستها یی را که مواضعی "مبهم و مهآلود" دارند ، بی دریغ را هنمایی کند (!) .  
 \*\* رفقا ! این یکی جزو "منفردین" نیست ؟ بقیه در صفحه بعد

(راه کارگر) امام خمینی را مظہرنہضت اسلامی میداند و از اینروا و راتجسم همه تضادهای این نہضت میبینند. "کسانی که اصرار دارند امام خمینی را نمایند" خود را بورژوازی معرفی کنند، فرموش میکنند که شورای انقلاب اسلامی نیز خود را پیرو خط امام میداند. فرموش میکنند که دکتریزدی نیز علی رغم افشاگری دانشجویان پیرو خط امام، مورد اعتماد کامل امام خمینی است\*.

بورژوالیرالها: اینان و درپناهشان سرمایه، بزرگ وابسته جبهه، واحد رسمایه را گشوده‌اند. و چون بنیان

بقيه‌ا زصفحه قبل: بنظر ميرسد که او در درندشت دنيا بيکس و کاروبی‌یا رویا و راست و برای خودش تک مضراب میزند. رفقا خواهند گفت خیر، این جزو منفردین "نیست بلکه خیلی منفرد است و ما فقط قید خیلی را از قلم انداخته‌ایم (!). بیچاره بنی‌توی آن انبوه دست چا تشبّه فاش است، تک و تنها مانده. آدم دلش می‌سوزد و نگران سلامتیش می‌شود (!)" نشريه (راه کارگر)

شماره ۴، مقاله "در میان بالائی‌ها .... آری فقا، شورای انقلاب هم دقیقاً در خط امام است و شاید به تنه خط هم رسیده، فقط این مانده‌که با تسخیر لانه، جا سوسی موافقت کند (!) چراکه اعضا این شورا بعنوان نمایندگان حزب جمهوری اسلامی "از اشغال سفارت امریکا چندان راضی نیستند" (!)، تازه مخالفان شما فرا موش میکنند که سناتور کنندی هم اخیراً "اعلام کرده که در خط امام است" و حاضراست جانش را در این خط فدا کند، با این توضیح که از تسخیر سفارت و نه لانه، جاسوسی، ناراحت است (!) می‌ - بینید که چقدر با ریک بینی شده؟ (!).

امپریالیسم و وا بستگی در درون روابط سرمایه وجود دارد، بنابراین اینان بدلیل پذیرش سرمایه‌داری، بنا - گزیر متحد امپریالیسم اند". \*

سرمایه‌داران بزرگ وابسته؛ اینان در حاکمیت نما ینده، مشخص و خاص خود را نداشتند. ولی با بورژوازی - لیبرال درون جبهه، واحد سرمایه‌اندوبيت تبع اولی در صفت امپریالیسم وضد خلق\*\*.

بنابراین بایک نگاه کلی به آتشچه (راهکارگر) در مورد طرفداران ولایت فقیه یا روحانیت حاکم بطور خاص و دیگر جناحهای حاکمیت میگوید، میتوان بروشنی دریافت که همه آنها از حزب جمهوری اسلامی فاشیست تا بنی صدر غریب (!)، از فدائیان اسلام تا چمران و منفردین، با همه رنگارنگیشان نکات مشابه بر جسته‌ای دارند. همه دشمن خلق، شبه فاشیست یا حامی آن و منطقاً "عملای پاسدا را امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن میباشد. بنابراین از نظر (راهکارگر) هرگونه نسبت بدای زن نوع خرد بورژوازی به پایگاه طبقاتی آنان دادن، در حکم

---

\* نقل به مفهوم از کتاب "فاسیسم، کابوس یا واقعیت" صفحه ۹ انتشارات (راهکارگر).

\*\* نقل به مفهوم از نشریه (راهکارگر) شماره ۴، مقاله "در میان بالائی‌ها.....". رفقا! "منفردین" که بنظر شما "بسیوه‌ای بسیار خطرونا کترانه" همه دسته بندیهای دیگر از سرمایه‌جهانی دفاع میکنند "نما ینده اینها - سرمایه داران وابسته - نیستند؟! لب‌چون" از سرمایه‌جهانی دفاع میکنند "دیگر وقت دفاع از سرمایه‌داران بزرگ وابسته را ندارند (!) والآنا نشفلشان اینست که پیوسته دفاع کنند (!)

خیانت به خلق و مخدوش نمودن صف آن با ادخلق و فاشیسم است . و چون "مدخلق" از نظر (راه کارگر) "ضد-امپریا لیست" نیست ، بلکه متحداً امپریا لیسم است ، پس مبارزه با صلاح خدا امپریا لیستی "مدخلق" در واقع فریب و "توطئه" ای بیش نیست . چرا که بقول معروف ، کارد دسته اش را نمیبرد . بسیار خوب رفقای (راه کارگر) ! ما "کا ستحکومتی" و جناحهای درون آنرا از نظر شما شناختیم . به تعبیر خودتان "مدخلق متکی به خلق" فاشیسم متکی به توهمندی توده ها را شناختیم . فقط بما بگوئید چگونه چنین با لائی با چنان درونی پرازدسته ها و گروه کهای ضد خلق و پا سدا را امپریا لیسم و تدارک گر فاشیسم میتواند از یک جریان بقول شما "خرده بورژوازی سنتی" ، "رادیکال خدا امپریا لیست" یعنی حریان دانشجویان خط امام حما یتکنند و آنهم حما یتی که از آنها یک "کانون قدرت" جدید" با "تحرک زیاد" بسازد ؟ ! مگر شما نمیگوئید حاکمیتی که پا سدا رسما یه بزرگ وابسته است ، دیگر نمیتواند حاکمیتی خرد بورژوازی سنتی هم باشد ؟ مگر شما در نوشه ها یتیان استدلال نمیکنید که رسما یه بزرگ دشمن خرد بورژوازی سنتی است و آنرا از هم میپاشد ؟ مگر شما در همین رابطه نیست که فاشیسم را عصیان خرد - بورژوازی و رشکسته ، بهره بری اقشار دکلاسِ \* ، برای نجات رسما یه بحران زده میدانید ؟ حال با صدمن سریشم و یک کروکولفاظی میتوان آنچنان بالائی را بدهمایت این چنین پائینی (جریان خط امام) فرستاد ؟ ! شما که

\* بریده از طبقه .

فدائیان خلق را به مخدوش ساختن "صف خلق" و "ضدخلق"  
 متهم میسازید، با ادعای اینکه پا سدا را ن سرما یه بزرگ  
 وابسته به حمایت "خرده بورژوازی رادیکال ضدد" -  
 امپریا ایست\*\* برخاسته اندواز آن "کانون قدرت جدیگ"\*\*  
 ساخته اندو "قدرت تحرک زیابی" به آن بخشیده اند، فکر  
 میکنید "صف خلق" و "ضدخلق" را جدا کرده اید؟ (!) .  
 واقعیت اینست که شما درا یندا بظه به بن بست رسیده اید  
 از طرفی محتوای "خرده بورژوا یی" ، "ضدا مپریا لیست"\*\*  
 و حتی دست با لا "رادیکال" \*\* حرکت دانشجویان  
 خط امام را نمیتوانید که نبینیدوا زطرف دیگرا رتباط  
 آنرا با بخشی از حاکمیت و آنهم بخش عمدۀ آن نمیتوانید  
 که نادیده بگیرید (چراکه یکسر آنرا حمایت بالائی ها  
 میدانید) وا زطرف دیگر با تکیه به "کاست حکومتی"  
 و ادعای اینکه "ضدخلق" است و پا سدا را مپریا لیست  
 (یعنی همان بخش عمدۀ وکلیدی حاکمیت) بطور مکانیکی  
 این دو جریان را از هم تفکیک میکنید. رهبری را که معتقد دید  
 از با لاصورت گرفته و میگیرد، ارتقا عی وضدخلقی میدانید  
 و دانشجویان خط امام و توده های رهبری شونده را (که با  
 شعار همان بالائیها به میدان آمده اند) "رادیکال  
 ضدا مپریا لیست" و اصل مینا مید. در عین ارتباط دادن -  
 مکانیکی عین ذهن بهم ، وحدت ذاتی و دیالکتیکی  
 آنها را نفی کرده و بیان دیوارچین میکشید و آنها را

\* نقل به مفهوم

\*\* نه به آن بی نمکی "توطئه، پز، بازی" و نه به این  
 شوری شور "حرکت رادیکال ضدا مپریا لیست" !

بصورت دومحتوای کا ملا" متضاد میبینند. درحالیکه بالای رهبری کننده (ذهن) با زتاب حرکت "خرده بورژوایی" ، "فدا مپریالیستی" پائین (عین) است و به همین دلیل برآن سوارمیشود خود را در آن و آنرا در خود متجلی میسازد. رفقا! ندیدن این دیا لکتیک حرکت، در شما تصادفی نیست، این سرنوشت بینش شماست، اگرایینبار ذهنیت را از عینیت پائینها جدا کرده و آنرا ارتقا عی و توطئه گر نا میدید، با ردیگر در جریان وقایع تبریز<sup>\*</sup>، عینیت (پائینها، توده ها) را ذهنیت (بالائیها، رهبری)<sup>\*\*</sup> جدا کرده و آنرا مترقی نا میدید. شما مثل پروکوست یونانی که افراد را میدزدید و در قالب معروف خودش جا میدادوهرگاه آدمها در ازتراء ز قالب او بودند، دست و پا بشن را میبرید تا اندازه شوندوهرگاه کوتاه تربودنداینقدر اندا مشان را میکشید تا با قالب جور در آیند، عمل میکنید. رفقا! شما شکالتان اینستکه بجا ای تطبیق قالب ذهنیتتان با جریانات اجتماعی، میخواهید جریانات اجتماعی را با آن تطبیق دهید و هم زاین روزت که جریانات اجتماعی، واقعیات اجتماعية را تکه تکه میکنید و امالت عینی و فرم طبیعی آنها را مخدوش میسازید.

رفقای (راه کارگر)! بالاخره واقعیت با تمام قدرتش خود را به ذهن تان تحمیل میکنندواز شما اعتراف میگیرد. هر چند که با زادرک درست آن عاجزمانده و نمیتوانید یا نمیخواهید در نگرش خود تجدید نظر کنید و از این راه میخواهید

---

نگاه کنید به اعلامیه، (راه کارگر) تحت عنوان "مردم آذربایجان چه میخواهند". \*\*\* غول افسانه ای یونان

در گیرودا رتنا قض گرفتا رمیما نید.

گفتیم واقعیت با لآخره خودرا به ذهنستان تحمیل کرده  
واز زبانستان اعتراف میگیردوا بین حقیقتی است : " ما  
نمیخواهیم بگوئیم در میان طرفداران ولایت فقیه هیچ  
گروه و دسته‌ای گرا یش ضدا مپریا لیستی و خصلت خرد بورژوا-  
یی سنت کراندا رد ". ما نمیخواهیم بگوئیم از این  
گرا یشات خرد بورژوا بی در برا بر گرا یشات ضد کمونیستی  
و ضد کارگری گروه بندیها دیگر نباشد استقبال بشود \*\* .

" استناد به این حقیقت که پا رهای از این دسته بندیها

\* نشریه (راه کارگر) شماره ۴، مقاله "در میان با لائیها ...."  
\*\* نشریه (راه کارگر) شماره ۴، مقاله "در میان با لائیها ...  
رفقا ! اگر گرا یشات ضدا مپریا لیستی پا رهای از طرفداران  
ولایت فقیه محتوای ضدا مپریا لیستی دارد خرد بورژوازی  
سنتی آیا گرا یشات ضد کمونیستی و ضد کارگری طرفداران ولایت  
فقیه محتوای طبقاتی ندارد ؟! و اگر دارد، آن محتوا چیست ؟  
کدام منافع طبقاتی پشت "گرا یشات ضد کمونیستی و ضد  
کارگری گروه بندیها دیدیگر " طیف " طرفداران ولایت فقیه "  
نهفته است اگر پشت هر گرا یشی منافع طبقاتی خاصی  
نهفته است، آیا "گرا یشات خرد بورژوا بی" و "گرا یشات  
ضد کمونیستی و ضد کارگری " گروه بندیها " طرفداران ولایت  
فقیه " در حاکمیت بیانگر وجود منافع متناسب طبقاتی  
در آن نیست ؟ به تعبیر صریحت رحایحیت عرصه منافع  
و عملکرد "گرا یشات" گوناگون طبقاتی نیست ؟ و اگر  
این همه را با ورکنیم، حاکمیت کنونی را به مثابه یک  
" کاست " فرا طبقاتی چگونه میفهمیم ؟ !

متعکس کننده گرایشات خردۀ بورژوازی سنتی است\*....."

\* نشریه "راه‌کارگر" شماره ۴، مقاله "در میان بالائی - ها ..... فراموشی بد دردی است. نکندشان هنوز همه آدمیزا دگان تکی و چفتی تیما رستان حاکمیت را دسته‌بندی و بسته‌بندی نکردها یدو عده‌ای هنوز در صفحه نوبتند؟! کدام "دسته‌بندیها"؟! مگر شما چند سطر با لاتر همه "دسته‌بندیها" را از ولایت فقیه گرفته‌تا بورژوالیبرال - ها و سرمایه‌داران بزرگ وابسته نشمردید؟! مگر شما همه را "ضد خلق" و شبه‌فاشیست ندانستید؟! مگر شما نگفتید و نمی‌گوئید که هر کس در درون حاکمیت دنبال خردۀ بورژوازی سنتی باشد، پی‌سراپ راه‌افتداده و به خط حزب توده رسیده است؟! نکند توده‌ایها در شما هم نفوذ کرده‌اند؟! نکند این "دسته‌بندیها" فقط با چشم حلال زاده، شما قابل رویت است و دیگران آنها را نمی‌بینند و نباید بینند مگر وقتی به ته خلط چهار بررسند؟! بله اعتراف فقط همین "دسته‌بندیها" را در حاکمیت درست نمی‌بینید و یا اگر بانی نگاهی مبتنی بینید، سرتا را از سرگشا دش‌زده و "ضد خلق" مینامید و نمی‌توانید بین آنها و توده‌های بیرون حاکمیت را بسط برقرا رکنید. گناه کبیر فدائیان نیز از نظر شما همین است که این "دسته‌بندیها" را با لاخره می‌بینند و می‌خواهند بین آنها و بخشی از توده‌ها که پایگاه طبقاتی آنها هستند، را بسط برقرا رکنند. را بسطه‌ای که هست و حتماً "هست" اگر بنا شد این "دسته‌بندیها" فقط در ذهن کمونیست‌ها شکل می‌گیرد و لا غیر. رفقا! همین دسته‌بندیها نیست که تدارک دهنده بقیه در صفحه بعد

"ازگرایشات ضدا مپریا لیستی پاره‌ای از طرفداران ولایت فقیه حتما" با یستی پشتیبانی شود، کمونیسته شا و انقلابیون راستین با یستی با تمام نیرو، این گرایشات را تقویت نمایند\*.

رفقا! مگر شما "کاست حکومتی" را که جناح مسلط و کلیه آنرا روحانیت طرفدار ولایت فقیه تشکیل میدهد، درکل با تمام جناحبندیها رنگارنگش، "ضد خلق"، پاسدار سرما یه وابسته، سرکوبگر و شبه فاشیست نمیدانید؟ اگر چنین است، چگونه در میان چنان بالائی "گرایشات ضدا مپریا لیستی" با "خلاصت خرد" بورژوا یی "را کشف میکنید؟! چگونه خرده بورژوازی سنتی ضدا مپریا لیست در درون "ضد خلق" تمام عیا رشما جا گرفته و عمل میکند؟! مگر "ضد خلق" شما "گرایشات ضدا مپریا لیستی" با "خلاصت خرد" بورژوازی سنتی هم دارد؟(!) مگر از نظر شما "انقلاب شکست نخورده" و "ضدانقلاب" حاکم نشده و خلق و انقلاب (خرده بورژوازی سنتی هم بخشی از خلق است و در برای امپریالیسم و سرما یه داری وابسته، انقلابی عمل میکند) مورد تهاجم "ضد خلق" و "ضدانقلاب" قرار نگرفته؟ مگر

بقيه از صفحه قبل جريا ن خط امام است؟! يا حمايت اين "دسته بندیها" از دانشجویان خط امام "توطئه" است یا حقیقت مبارزه ضدا مپریا لیستی آنهاست؟! خیر، شما با این برداشت درست علمی هنوز فرنگها فاصله دارید، چرا که تصمیم گرفته ايد به ر طریقی که شده "با لائیها" و "پائینیها" را دوشقه کنیدتا در ذهن تان جا بگیرند!

\* همانجا

"مدخلق" یا حاکمیت، از نظر شما خلق را از مادر قدرت بیرون نراند؟! پس چگونه بخشی از خلق یعنی "خرده" - بورژوازی سنتی" با "گرایشات ضد امپریالیستی" هنوز در حاکمیت است و شما کمونیستها را دعوت به پشتیبانی از "گرایشات ضد امپریالیستی" آن میکنید؟(!)

رفقا! مگر شما نمیگوئید که اگر در درون حاکمیت، دسته‌ای پایگاه خرده بورژوازی هم داشته باشد، امروز که درجا معمه سرما یه‌دا ریوا بسته به حاکمیت رسیده‌یا "به جایگاه حکومتگران پرتاپ شده" و نمیخواهدو نمیتوانند آنرا متلاشی کند، لذا دیگر نماینده تمايلات خرده بورژوازی نیست، بلکه پاسدار دشمن آن یعنی سرما یه وابسته است؟! . "آیت الله منتظری" میتوانست این تناقض آن دیشه‌ها را خود را حفظ کند و مصلحت گرایان سیاسی نیز میتوانستند مدت‌ها درباره ما هیئت دوگانه خرده بورژوازی سنتی قلم فرسایی کنند. اما متأسفانه امروز دیگر نمیتوان بحث‌های سردرگم درباره خرده بورژوازی سنتی را به بحث‌های سردرگمتری درباره پایگاه طبقاتی آیت الله منتظری تبدیل کرد. زیرا که او به جایگاه حکومتگران پرتاپ شده است. و این درس - تلخ تاریخ استکه حکومتگران فرصت زیادی برای غوطه ورشدن در چشم‌های شفابخش دوگانگی را ندارند.

مخصوصاً اگر این بدشایی را داشته باشند که دریک کشور بحران زده، زیر سلطه امپریالیسم، به حکومت برستد.\*

مگر شما نمیگوئید که نمایندگان حاکم خرده بورژوازی در-

---

\* نشریه راهکار گرshima ره ۴، مقاله "در میان بالاء‌ها ..."

یک جا معاهه زیرسلطه و در آستانه یورش کارگران و زحمتکشان  
یا طبقه خود را فرا موش میکنند و یا ساقط میشوند . " آیا  
او (بنی صدر) نماینده تمايلات خرد بورژوازی است ؟  
بسیار خوب . در یک کشور سرما یه داری زیرسلطه ، در برابر  
عصیان انقلابی کارگران و زحمتکشان ، نمایندگان خرد -  
بورژوازی خیلی زود خواسته ای طبقه خود را فرا موش میکنند  
واگر هنر بزرگ فرا موشی را نیا موزن دخیلی زود از با لاهما  
رانده میشوند\* " حال این کدام خرد بورژوازی سنتی  
ضدا مپریالیست است که نه به پایگاه طبقاتی خود خیانت  
کرده و نه هنوز توسط " ضدخلق " ساقط شده ، بلکه همچنان +  
در حاکمیت " ضدخلقی " وجود دارد و مهمنتر اینکه به هنگام  
اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن مسان ،  
" گرایشات ضدا مپریالیستی " با " خصلت خرد بورژوازی -  
سنتی " هم دارد و کمونیستها نیز موظفنداز " گرایشات ضد -  
امپریالیستی " آن استقبال کنند ؟ ! رفقا ! گیره  
کارتان این است که انقلاب هنوز کا ملا " شکست نخورد  
و خرد بورژوازی هنوز در حاکمیت و در کنا رجنا حهای دیگر  
ضدخلق هست و عمل میکند . شما بجای پذیرش این واقعیت

نشریه (راه کارگر) شماره ۴، مقاله " در میان با لائیها ...."  
البته این استدلال درکل درست است . اما با یاد تحلیل  
از اوضاع مشخص کرد . شما میخواهید از یک اصل  
کلی درست برای وضعیت مشخص فعلی نتیجه گیری کنید ، لذا  
به کلی گویی و تناقض آشکار دارچار میشود . هم  
میگوئید خرد بورژوازی در حاکمیت نیست و نمیتواند باشد  
و هم هست و کمونیستها را بـ استقبال " گرایشات ضدا مپریالیستی "  
آن میبرید .

وتطبیق ذهن خودبرآن ، میخواهید آنرا (واقعیت را) بر ذهن خودیعنی درک انقلاب شکست خورده و " کاست حکومتی" مدخلقی، منطبق نمائید. سرداران فاتح قلعه، مشی چریکی که اینهمه بهاین فتح مینازید! علت چنین نگرشی ، زبانم لال ، ته مانده بینش چریکی درشماست که وادارتان میکندهم واره از ذهنیت خود حرکت کنیدنها از عزیمتگاه عینیت ، بینشی که حتی اگر عینیت بخواهد به چشم هم انگشت کند، آنرا نخواهد دید و بجا تئوریزه کردن آن ، ذهنیت خود را تئوریزه کرده و برآن پای خواهد فشرد.

حال که اذعان کرده اید در طیف طرفداران ولایت فقیه گرایشات ضدا مپریا لیستی بر مبنای منافع خرد بورژوازی سنتی وجود دارد از طرف دیگر جریان داشجويان خط امام را نیز جریانی بورژوازی ، رادیکال و ضد امپریا لیست میدانید ، آیا تصاوفی نیست که بخشی در با لابه حمایت این داشجويان برخیزد؟ آیا کانون قدرت خط امام ، "کانون جدیدی" است؟ یا تجلی همان کانون قدرتی است در حاکمیت که محتوای خرد بورژوازی و خصلت ضدا مپریا لیستی دارد؟ کانون خط امام از دل جریانی در درون حاکمیت تدارک شده و رهبری میگردد. تنها در اینصورت است که حمایت بخشی از بالائیها از این حرکت مفهوم و منطقی است . رفقا ! صدای همان "گرایشات ضدا مپریا لیستی پارهای از طرفداران ولایت فقیه" است که ازلانه جا سوی شنیده میشود. واگردا داشجويان خط امام "کانون جدید قدرتی" با "تحرک زیاد" بنظر می آیند، تدارک دهندۀ آن نیز کانون قدرتی است با

تحرک زیا ددرد ل حاکمیت و گرنه نمیتواند منشاء چنین حرکتی گردد. شما " گرایشات خدا مپریا لیستی پاره‌ای از طرفداران ولایت فقیه" را در حاکمیت می‌بینید و گرایشات خدا مپریا لیستی خرد بورژوا یی خط امام را نیز مشاهده می‌کنید و معتقد هم هستید که خط امام نمیتواند بی‌حمایت با لامیدان بگیرد، ولی وقتی با این مقدمات زمان آن — میرسد که بگوئید که پس خط امام انعکاس همان گرایشات خدا مپریا لیستی پاره‌ای از طرفداران ولایت فقیه در درون حاکمیت است، رم می‌کنید و این اعتراف را کفروزندقه میدانید! آری شما حق دارید. چون به محض این اعتراف " کاست حکومتی " بسته به مشابه ارجاع محض و برقراری طبقات درهم می‌شکند و نیروهای طبقاتی درون آن خود را — نشان میدهند.

رفقا! شما دوراه بیشتر نداشتید و هر دورا آزمودید ولی حکایت همچنان با قیست. یا با یدخل خط امام مرادر را بظهرا تدارک دهنده اش یعنی با لائیها، توطئه، پزوا ارجاعی بدانید، چرا که، از کوزه همان برون تراود که درا وست. و یا با یدباین جریان — دانشجویان خط امام — بعنوان جریانی خدا مپریا لیستی و مترقبی نگاه کنید که در این صورت ( درحالیکه به حمایت با لائیها از این حرکت همچنان اذعان دارید ) با یدباین این حرکت و با لائیها دیوار چین بشکید. تدارک دهنده را مرتاجع، توطئه گرو تدارک شده را مترقبی بنا مید. به تعبیر صریحتر رهبری را ارجاعی و جریان رهبری شده را مترقبی بخوانید. حال اگر چنین نگرشی ابلهانه است، اشکالی ندارد، چون شما تصمیم دارید هر طور که شده تز " انقلاب شکست خورده " و

"کاست حکومتی" بسته را به مثابه، ارجاع محض،  
همچنان حفظ کنید (!).

موضع اول هرچند غلط است ولی لااقل انسجام منطقی دارد. چه منطقی و عملی است که ارجاع "ضدخلق" حامی حرکتی مترقبی و خلقی نباشد. ولی موضع دوم که در عین حال موضع فعلی شماست، یک تناقض عربیان است: ملغمه - آی از موضع سراپا غلط اول و موضع التقاطی دوم - یعنی حمایت ارجاع "ضدخلق" فاشیست از یک جریان خدا مپریا لیستی با خصلت خردگر بورژوازی سنتی (!) حمایت "ضدخلق" از خلق (!) حال "ضدخلق" چگونه میتواند حامی یک جریان خلقی باشد، در آسمان خدا میدان دور زمین (راه کارگر) (!). براستی آنها ایکه نه در عرصه، واقعیت بلکه در عالم ذهن خودسیر میکنند، وقتی بقول رفقای فدا بینی میتوانند خود را با مبارزه، عینی طبقات سازگار نمایند، دچار چه مصیبتی میشوند.

(راه کارگر) برای توجیه عقب نشینی و نوجلوه دادن موضع پراز تناقض خود به توضیح واضحات متousel شده و آن اینکه با یادا زگرا یشات خدا مپریا لیستی پارهای از طرفداران ولایت فقیه بطور مشروط و آنگونه که صف خلق و ضدخلق را مخدوش نسازد، حمایت کرد. "ما میگوئیم استقبال از چنین گرایشها بی نباید به قیمت بی توجهی به نیروی لایزال پرولتا ریا و زحمتکشان و به قیمت محوكدن مرز خلق و ضدخلق باش" آری کمونیستها با یده‌هوا ره بر مبنای منافع حیاتی کارگران و زحمتکشان حرکت کنند

---

\* نشریه راه کارگر شماره ۴، مقاله "در میان بمالائی‌ها" . . . .

وحرکت "ضدا مپریا لیستی" پاره‌ای از طرفداران ولایت فقیه را درجهت منافع حیاتی پرولتاریا و زحمتکشان تعمیق کنند. این حرف بکری نیست. همه کمونیستها همین را میگویند. منتهی عده‌ای مثل رفقای (راه‌کارگر) آنرا "توطئه" تلقی کرده و با آن می‌ستیزند و عده‌ای دیگر مثل رفقای فدائی با همه اشتباها و نارسائیها، آنرا مترقی خوانده و سعی می‌کنند در بستر مبارزه طبقاتی رشدیابنده‌جا مעה، تعمیق شنما یند. درک "گرایشات ضدا مپریا لیستی پاره‌ای از طرفداران ولایت فقیه" در عینت مبارزه طبقاتی جاری درجا معا و تعمیق آن درجهت منافع کارگران و زحمتکشان است که مشکل است و گرنه و راجی و آسمان وریسمان کردن کا ربیسیا رآسانی است.

اما "صف خلق و مدخلق" (راه‌کارگر) در همانحال که "کاست جکومتی" را مرکب از سرما یه بزرگ وابسته، بورژوازی لیبرال و روحانیت طرفداران ولایت فقیه می‌بیند و در همان حالیکه در درون طرفداران ولایت فقیه، گرایشات خردۀ بورژوازی ضدا مپریا لیستی نشان میدهد، همه حاکمیت را دربست، "مدخلق"، پاسدارا مپریا لیست و نور علی نورفاشیست میخواند! حال اذکی تابحال کمونیستها خردۀ بورژوازی سنتی ضدا مپریا لیست را در صفات "مدخلق" قرارداده‌اند، با یادا زهیئت تحریریه (راه‌کارگر) پرسید! کسانیکه در حاکمیت جناح "شا هدیه‌ها" ببینند، لابد خردۀ بورژوازی سنتی ضدا مپریا لیست و در عین حال "مدخلق" وفاشیست هم سراغ دارند (!). بیچاره خردۀ بورژوازی سنتی هم ازا مپریا لیستها میخورد و هم از کمونیستها؛ البته (راه‌کارگر) عنیا "اینطـور

استدلال نمیکند. نباید در موردی اینقدر "بیان صافی" کرد.  
ا و فقط میگوید چون خرده بورژوازی سنتی مدا مپریا لیست  
در کنار بورژوازی لیبرال و بورژوازی بزرگ وابسته و دیگر  
جناحهای طرفدار را ولایت فقیه قرار داده دارم —  
خودم را از شریک دست نبودن "کاست حکومتی" راحت کنم و  
همه را یک کلام "ضد خلق" و پاسدا را مپریا لیسموفا شیست  
بنام بازاینرواگر ضرری متوجه خرده بورژوازی سنتی فد  
امپریا لیست میشود، عذر میخواهیم و امیدوازم مرا ببخشد (!)  
از طرف دیگر چون "فاشیسم" در راه است و با یادسریعاً "اعلام  
خطرکنیم، بازاینروفرصتی برای جدا کردن حساب خسarde  
بورژوازی نمیماند (!). قابل تذکر است که اگر کسانی بخواهند  
جناحهای درون حاکمیت را با حوصله و بشیوه عینی و علمی  
از هم تفکیک کنند و حساب خود را با هر کدام از آن جناحهای  
روشن سازند، با یادبدا ننده که (راه کارگر) بیکار نخواهد  
نشست و آنها را در یک مقاله شدیداً لحن به "مخدوش ساختن  
صف خلق و ضد خلق" متهم خواهد کرد و اگر از این عمل  
ناشا نیست خود دست برنده رندباران تهمت و تحقیر و تحریف  
را برآنها نثار کرده و "مصلحت گرای سیاسی" و "تسویه ای" و  
"کارگاه سیاسی" معرفی شان خواهد کرد (!)  
خواننده عزیز شاید فکر کنده رفقای (راه کارگر)

---

از صفحه قبل : \* اخیراً سازمان پیکار نیز در ضمیمه پیکار  
۳۴، برای یک دوره اورا ضد انقلاب نامید (!) البتہ پیکار گشاد  
دستی بخرج داد و همه پلها ای بازگشت را برای خرده بورژوازی —  
سنتی مرغه، خراب نکرده، البتہ فقط برای یک دوره اورا از صف  
انقلاب بیرون کرده تا تنبيه شده و دیگر هوا یصفان انقلاب به کله اش  
نزند.

آخرین تحلیل طبقاتی (!) خود را از "کاست حکومتی" داده‌اند. ولی اشتباه میکند. آنها هنوز در نیم‌سده راه تحلیل طبقاتی خود هستند. آنها اخیراً "کشف بزرگی" کرده‌اند که بهتر است تا دیر نشده بنام خود "در تاریخ جنبش کمونیستی ثبت کنند". آنها اخیراً مقولات تمام طبقاتی دیگری از نوع "شاهدیها" و "گروگانیها" از چنین صادر کرده‌اند. می‌گویند جناح‌ها درون "کاست حکومتی" را بسته به اینکه در برآ بر گروگان‌های لانه‌جا سوسی چه موضعی بگیرند، می‌توان به جناح "شاهدیها" و جناح "گروگانیها" تقسیم نمود (!) "شاهدی" برای اینکه عده‌ای از آنها معتقدند، کارکنان سفارت شاهدان ما برای محکمهٔ سیاست آمریکا در ایران هستند و "گروگانی" برای اینکه عده‌ای را نظر براین است که خیر، خود کارکنان گروگان ما هستند و با یدم محکمه شوند. رفقا! حال که از نظر شما "شاهدی" و "گروگانی" هر دو در "کاست حکومتی" هستند و این "کاست" نیز با همهٔ شاهدی و گروگانی بازیها یشکلا "ضد خلق" و در خدمت "سرمایه‌داری" باسته بعنوان "بنیان امپریالیسم" در ایران است، پیشنهاد میکنیم برای جلوگیری از اطاله کلام و رعایت اصلاحهای مختصر و مفید و مهم تراز همه نیزون آوردن کمونیست‌ها از گیجی و سردرگمی، هردو جناح را درهم ادغام کرده و بنام مشعشع جناح نماز جمعه بخوانید، و یا اگر از این نام چندان اخشنود نیستید، جناح بورژوا لیبرال‌هارا، جناح نماز باران (چون در اسنان مهندس بازرگان معتقد است که ما باران می‌خواستیم ولی سیل آمد. بنابراین می‌توان نسبت به اینکه در برآ بر باران وسیل و دیگر

بلایا ای طبیعی چه موضعی دارند آن را طبقه بندی ویا  
بزبان علمی سرهم بندی کرد (!) و "روحانیت طرفدار  
ولایت فقیه" را که معتقد است ما برای خربزه انقلاب  
نکرده ایم ، جناح خربزه یا خیا ربتا مید . ) بسته به اینکه  
از خربزه یا خیا رکدام را می پسندند و موضعشان دربرابر  
آن چیست (!)

شما که بدرستی ، راه فدایی ، را متهم به قاچاق واژه  
انحصار طلبی در عرصه فرهنگ ما را کسیستی میکنید ، بفرمائید  
که "شاهدیها" و "گروگانیها" را از کدام جهنم سراقاچاقی  
آورده اید ؟ ! ) شما که میگوئید فقط تحلیلی را شایسته  
عنوان مارکسیستی میدانید که "از منشور مبارزه" طبعاتی  
بگذرد ، "شاهدیها" و "گروگانیها" را از کدام منشور  
طبقاتی عبور داده اید که حتی خاک منشور بیجا ره هم بر  
آن نگرفته ؟ ! رفقا در زمینه رهنمودهم هواداران خود  
را مایوس نساخته اند و با دادان "یک چشم انداز محتمل" از  
آنینده جناحها ، نیروهای سردرگم کمونیستی و بولیوژه  
هواداران "پرحرارت" را قرین منت خود ساخته و گفته اند  
که امام از طریق جوزه علمیه قم .... حمایت شرایط را از  
شاهدیها در این زمینه دریغ نخواهد داشت . چرا که امام  
در مجموع و قلبا "به طرفداران بی چون و چرا و لایت فقیه  
نژدیکتر است . لابد "گروگانیها" مثل خوئینی دشمنان  
ولایت فقیه و یا مثلا" طرفداران با چون و چرا و لایت فقیه  
هستند ! ) سرانجام پس از یک دوره دلهزه و اضطراب

\* نشریه (راه کارگر) شماره ۵، مقاله "انحصار طلبی،  
اصطلاحی قاچاق در فرهنگ ما را کسیستی"

کم کم کفه، ترا زومجدا " بطرف شا هدیها سنگینی میکند.  
 اما در عین حال آنها نباید ماجرا را تمام شده تلقی کنند.  
 گروگانیها نیز قدرت قابل ملاحظه ای پیدا کرده اند، مخصوصاً " که پائینیها نیز همچنان اوضاع را بحرانی ترمیکنند و این امر موضوع گروگانیها را تقویت مینماید\* ". " رهنمود در خشانی است، دقيقاً " چشم انداز محتمل " را نشان داده است:  
 بنظر میرسد که "شا هدیها" قدرت میگیرند و در عین حال " گروگانیها " تقویت میشوند. ( فرق دو جناح را می بینید  
 از کجا تا به کجا است: یکی قدرت میگیرد و دیگری تقویت میشود (!) ) حال آینده در جهت قدرت یا بی " محتمل " کدام جناح است، نمیدانیم. هردو (!) این نوع تحلیل مشخص ازا اوضاع مشخص و داشتن " چشم انداز محتمل " برمبنای مبارزه، طبقاتی، از (راه کارگر) که " خط مشی مشخص " دارد طبیعی است و اگر دیگران ( بویژه فدائیان خلق  
 خط ندارند کافیست همین مقاله "شا هدیها و گروگانیها " را بخوانندتا از چموشی در آیندوبه ارزش واقعی خط و بی خطی پی برید (!). رفقا! شما تحلیل طبقاتی حاکمیت را از ائمه داده اید، بلکه نمایشنا مه حاکمیت را نوشته اید، نمایشنا مه کوچیکی که کارگردانش خمینی و بازیگرانش "شا هدیها و گروگانیها " موضوع نمایش تسخیر لانه جا سوسی است (!).

چند اشاره.

۱- (راه کارگر) گاهی بشکل زننده‌ای شکسته نفسی میکند و پزشکی طریق میخواهد نظرات را متوجه

---

\* نشریه، (راه کارگر) شماره ۷، مقاله "شا هدیها و گروگانیها"

خودسازد: "با لائیها چه کسانی هستند؟ آنها چندسته‌اند.  
نمیدانیم چندسته‌دا نستن با لائیها جرم است یا نه؟ با  
اینکارآدمی ضدانقلابی میشودیا نه؟ بهر حال ما چنین  
اعتقادی داریم". رفقا! چه کسی چنین اتهامی بشما  
زده؟ چه کسی گفته هر که جناحهای درون حاکمیت را ببیند  
ویگانه‌اش نداندضا نقلابی است؟ تا آنجاکه ما خبردا ریم  
همه گروهها و سازمانهای چپ و مترقبی حاکمیت را چندگانه  
می‌بینند و عموماً "جناحهای بورژوازی لیبرال، بورژوازی  
بزرگ وابسته و خردۀ بورژوازی را با عملکردها و سیاستهای  
گوناگون طبقاتی در طیف حاکمیت جا میدهند، البته غیر  
از شما که همه را نماینده سرمايه‌داری وابسته میدانید و  
اختلافشان را برسر "سهم‌شیر" یا نوع "مدیریت" می‌پنداشد.  
نکنندشما چون بین "کابوس" و "واقعیت" گشت می‌زنید،  
در عالم "کابوس" شبحی ترسناک بر شما ظاهر شده و به جرم  
چندسته‌دا نستن حاکمیت ضدانقلابتان خوانده است (!).  
۲-(راه کارگر) گاهی بشیوه "شاید"، "نمیدانیم" و  
(لا دری) وَإِلَهُ الْعَالَمُ به قضا یا مینگرد: "آیا بهشتی  
با آیت الله خمینی در بازه مسئله سفارت اختلاف  
دارد؟ شاید" "گروههای منفرد چه می‌کنند؟ قطب زاده، یزدگاه  
امیرانتظام و میراث رنگارنگشان؟ آیا آنها واقعاً "منفرد"  
ند؟ با هم دیگرا رتباط دارند؟ با یادا عتراف کنیم که در کار  
- آگاهی سیاسی چندان استعداد گنداریم\*\*. "اگر شما  
نمیدانید که آنها منفردندیا نه؟ چگونه آنها را در ردهی

---

\* نشریه (راه کارگر) شماره ۴، مقاله "در میان با لائیها ...."

\*\* همانجا.

می‌گذارید؟! البته شما ظاہر فریبی میکنید، اگر مینویسید که نمیدانید "گروههای منفرد چه میکنند". چون بلافاصله بعداً زاین تجاه لادا مه میدهیدکه: "ولی با اطمینان میتوانیم بگوئیم که اینها بشیوه‌ای بسیار خطرناکتر از همه دسته‌بندی‌های دیگر، از سرمايه‌جهانی دفاع میکنند". رفقا گفتیم ظاہر فریبی، این واقعیتی است. چرا که شما میدانید وبا "اطمینان" هم میدانید که آنها چه کاره‌اند و چه میکنند. چون بلافاصله دم خروس بیرون می‌آید که از سرمايه‌جهانی دفاع میکنند. چرا موش و گربه با زی درمی‌آورید؟ بدون این ادا و اطوارهم میتوان نظر خود را گفت. "شاید" میخواهید هر چه پیچیده تر بگوئید تا عقل معمولی به رمز‌بازش پی‌برد. البته از حرف مانا راحت نخواهید شد، چون در کارآگاهی سیاسی چندان استعدادی "نداشتیم، بهمین خاطر مثل شما با قید محتاطانه" "شاید" نتیجه‌گیری کردیم.

۳- (راه کارگر) در حالیکه ..... دسته‌بندی‌های پیچ در پیچ طرفداران ولایت فقیه "را در حاکمیت تاج و تار" "شایانیها" و "گروگانیها" میکاود و چون خبرنگاری که به عیادت مجا نین تیما رستان "کاست حکومتی" رفته باشد، دهها نوع آدم و گروه و دسته بمانشان میدهد، هم چنان به فدائیان خلق که در مقاله‌ای تحت عنوان "صف‌آرایی‌های درون حاکمیت، جناحهای گوناگون ولایت فقیه را توضیح داده‌اند، میتا زدواستان را (البته نه بهنا) به باطن عده و نیشخند میگیرد که "کارآگاه سیاسی" هستید و مثلاً ما نپلیسی مینویسید درحالیکه ما یعنی (راه کارگر) نمایشنا متن کمکاً ل مینویسیم و نمایشنا مه کمیک به رحال از رمان پلیسی بهتر است، چون آدم را میخنداند و دومی اورادچار

"کابوس" میکند (!) (راه کارگر) میخواهد بانیش و طعنه و تحقیر و تحریف، مواضع فدائیان خلق را بیاعتبار سازد. آنها را در خط حزب توده معرفی میکند؛ "ما وشم ادار زیگزاگها و پیچیدگیهای حرکت روحانیت توافق داریم، و شما و حزب توده درجهٔ حرکت آن" \* چون حزب توده و خط سیاسی آن سراپا نتگین استه (راه کارگر) میخواهد بآنها کفتن اینکه فدائیان به خط حزب توده رسیده‌اند، به هر حال به هدف خود برسد\*\*.

- 
- \* نشریهٔ (راه کارگر) شماره ۱، مقاله (مبادره سد امپریالیستی از کدام سو؟)
  - \*\* این شیوهٔ مرضیه (!) راهداران "پرحرارت" آنها نیز در برخورده (بویژه با هاداران ساده سازمان فدائیان) موبیجا جرا میکند.

۲۶۹۰۷

هواداران - سازمان چریکهای خدای خلق ایران

هواداران - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران      بهاء ۲۰ ریال